

# به نام خدا

نام درس: « روان شناسی اجتماعی »

Social psychology

منبع: کتاب روان شناسی اجتماعی

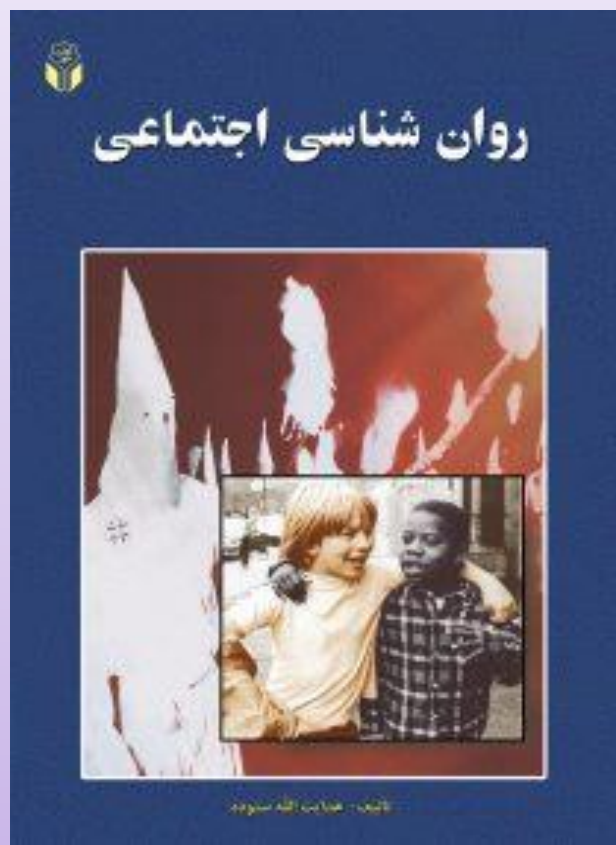
تالیف: هدایت الله ستوده

نوع درس: نظری

تعداد واحد: ۲

مدرس: دکتر سپیده برغندان

گروه های: ۵۳



# جلسه سوم: فصل دوم صفحه ۳۱ تا ۴۵

## فصل دوم :

جایگاه روان شناسی اجتماعی در علوم رفتاری  
فهرست مباحثی که در این فایل خواهید خواند:

رابطه روان شناسی اجتماعی و مردم شناسی

زیگموند فروید و نظریه عقده ی اودیپ

کارل گوستاو یونگ

روث بندیکت و فرهنگ گرایی

مارگارت مید و بحران نوجوانی

رابطه روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی

رابطه روان شناسی اجتماعی و روان شناسی عمومی

# رابطه روان شناسی اجتماعی و مردم شناسی

انسان شناسی یا مردم شناسی (anthropology) را می توان مطالعه ی انسان در ارتباط با توزیع، خاستگاه، طبقه بندی نژادها، روابط اجتماعی و محیطی، ویژگی های جسمانی و فرهنگ تعریف کرد.

## نکته:



مردم شناسی یکی از حوزه های مهم روان شناسی اجتماعی است اما هر کدام از زاویه ای متفاوت، علم رفتار را مطالعه می کنند.

مردم شناسان **سازمان گروهی رفتار و الگوهای فرهنگی** را مورد توجه قرار می دهند اما روان شناسان اجتماعی، **رفتار را در فرایندهای اجتماعی** مطالعه می کنند. مثال صفحه ۳۲ را مطالعه فرمایید.

# زیگموند فروید و نظریه عقده ی اودیپ

## زیگموند فروید و نظریه عقده اودیپ

فروید پس از جستجو و بررسی بسیار درباره جنبه ناخودآگاه انسان و تضادهایی که علل رفتارهای طبیعی و غیرطبیعی او را توجیه می کند، کتابی نوشت به نام «توتم و تابو»<sup>۶</sup> این اثر که نخستین کوشش فروید در به کار بردن اصول روانکاوی در تعبیر و تفسیر پدیده های مردم شناختی بود، از اهمیت خاصی برخوردار است.

فروید ضمن مطالعه جامعه های ابتدایی بیش از هر امر دیگری از ممنوعیتهای بدون انگیزه ای که «تابو»<sup>۷</sup> نامیده می شود و سخت ترین آنها «منع زنا با محارم»<sup>۸</sup> است، شگفت زده می شود و در تحلیل از ناخودآگاه فردی به ویژه روی نقش تمایلات نسبت به والدین در دوران کودکی تأکید می کند و معتقد است که تمایلات جنسی از دوران جوانی با تمایل به ازدواج با مادر و گرفتن جای پدر شروع می شود. به نظر فروید

# تابو چیست؟

تابو (Taboo) آن دسته از رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی است که برطبق رسم و آیین یا مذهب، ناپسند، ممنوع و نکوهش پذیر است. برای نمونه نام بردن از اندام‌های تناسلی در محافل رسمی در بسیاری از اقوام جهان یک تابو است.

به عقیده فروید یکی از سخت‌ترین تابوها **منع زنا با محارم** است و بر همین اساس به موضوع **عقده ی ادیپ (در پسران) و عقده الکترا (در دختران)** می‌رسد.

**عقده ی ادیپ یعنی تمایل آغازین کودک پسر به مادر و نفرت از پدر و میل به کشتن او و جایگزین او شدن برای به دست آوردن مادر. الکترا تمایل دختر به ازمیان بردن مادر برای رسیدن به پدر.**

**توتمیسم یعنی جوامع انسانی**

«عقدۀ اودیپ»<sup>۱</sup> یعنی تمایل آغازین کودک به مادر و نفرت از پدر و میل به کشتن و جایگزین شدن وی که مهمترین عاملی است که می تواند شکل گرفتن انسانیت را توجیه کند و به همین دلیل فروید این پدیده را خاستگاه پدیده های مهم و بزرگی چون باورهای دینی و اخلاقی و اصولاً جامعه می داند.

در واقع، به نظر فروید عقدۀ اودیپ از تحول بعدی امور جنسی نزد بزرگسالان و تضادهای ناخودآگاه آنان، شکل می گیرد. او اضافه می کند که همه احساسهای ناخودآگاه ما که از آنها شرم داریم و در ضمیر ناخودآگاه خود سرکوبشان می کنیم، معرف اضطرابهای ما است و تابو به عنوان ممنوعیت اجتماعی و یا وجدان اخلاقی که مظهر آن است، واکنشی در مقابل این خواستههای اظهار نشده می باشد.

فروید بر این باور است که: «تاریخ جامعه های انسانی به انعکاس دوران کودکی هر انسان و مراحلی که وی طی می کند شبیه می باشد» یعنی فرایند تاریخی شکل گرفتن جامعه های انسانی (توتمیسم)<sup>۲</sup> شبیه شکل گرفتن شخصیت فرد در دوران کودکی تا بزرگسالی وی است (عقدۀ اودیپ). به عقیده فروید برای ایجاد ارتباط بین این دو-توتمیسم و عقدۀ اودیپ و تبیین فرضیه های خود (تحول جامعه و تحول انسان) کافی است که حیوان توتم را در جامعه های ابتدایی مظهر پدر بدانیم (کازنو، ۱۳۴۳: ۶۸).



# کارل گوستاو یونگ (نظریه ناخود آگاه جمعی)



# کارل گوستاو یونگ (نظریه ناخود آگاه جمعی)

۳۵

فصل دوم: جایگاه روان شناسی اجتماعی در ...

## کارل گوستاو یونگ و نظریه ناخود آگاهی جمعی

یونگ با عقیده فروید مبنی بر مرکزیت تمایلات جنسی مخالف بود و عقیده داشت که انسانها همان قدر که به وسیله هدفها، آرزوها و امیال دیگرشان برانگیخته می شوند، به وسیله تمایلات جنسی نیز برانگیخته می گردند. از نظر یونگ فضیلت خود بودن، تلاش برای رشد و خود شکوفایی خلاق، از انگیزه های اصلی رفتار انسان هستند.

از دیدگاه یونگ، شخصیت از سه لایه اساسی - آگاهی، ناخود آگاهی فردی، ناخود آگاهی جمعی<sup>۱</sup> - تشکیل یافته است.

۱- آگاهی: لایه نخستین آگاهی و استعدادی است برای مشاهده جهان روزمره پیرامونی. آگاهی یا «خود» در نظریه یونگ تماماً در سطح هشیار است و شامل احساسها، اندیشه ها، درکها و خاطره هایی است که ما از آنها آگاهی داریم.

۲- ناخود آگاهی فردی: شامل رویدادها، نامها و ادراکهای زودگذری است که ما آنها را کاملاً به یاد نداریم؛ ولی می توانیم با اندک زحمتی آنها را به سطح هشیار انتقال دهیم.



۳- ناخودآگاهی جمعی: ناخودآگاهی جمعی برخلاف ناخودآگاهی فردی که شامل خاطرات زندگی یک شخص است. ناخودآگاهی جمعی شامل تجربه های تمامی بشریت و نوعی میراث مشترک روانی است. ناخودآگاهی جمعی نه تنها منشأ بسیاری از اعمال حیاتی و خلاقیت‌های ما است؛ بلکه مبنای رفتارهای نوروتیک<sup>۲</sup> و نامعقول ما نیز است.

ناخودآگاهی جمعی را ناخودآگاه فرا فردی نیز می خوانند؛ زیرا از حیطه شخص جداست و در حاشیه آن قرار دارد و ویژگی هایش کاملاً کلی و عمومی است و محتوای آن را در همه افراد می توان یافت.

یونگ دریافت غیر از اینکه هر فردی دارای بخشهای آگاه و ناخودآگاه است بلکه ملت ها نیز بخش آگاه و خودآگاه دارند و اتفاقاً بخش ناخودآگاه یک ملت در درون

# کهن‌الگوها یا آرکتایپ ها Archetype

از دیدگاه یونگ شخصیت از سه لایه **آگاهی، ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی** تشکیل یافته است.

کهن‌الگوها یا الگوهای باستانی؛ رفتارها و فرمهای اولیه‌ای که در همه جا و بین همه مشترک است. در تمامی انسان‌ها از بدو تولد موجودند و به صورت نیرویی در سطح عمیق ناخودآگاه قرار دارند.

ناخودآگاه جمعی را **ناخودآگاه فرا فردی** نیز می‌گویند زیرا محتوای آن را در همه‌ی افراد می‌توان یافت.

به عقیده یونگ، ملت‌ها نیز بخش خودآگاه و ناخودآگاه دارند و در ناخودآگاه همه‌ی ما الگوهایی وجود دارد مثلاً قهرمان در داستان‌های اسطوره‌ای مثل رستم و سهراب

**اگر ناخودآگاه خود را خوب بشناسیم بهتر می‌توانیم در خودشناسی خود موفق شویم.**

# روث بندیکت و فرهنگ گرایی

فصل دوم: جایگاه روان شناسی اجتماعی در ... ۳۹

## روث بندیکت و فرهنگ گرایی

بندیکت با پژوهشهای مردم شناختی خود خاطرنشان می سازد که در فرهنگهای مختلف که دارای عقاید و ارزشهای متفاوتی هستند، شخصیتهای گوناگونی به وجود می آیند. به نظر او دو نوع فرهنگ بسیار متفاوت وجود دارد:

۱- فرهنگ آپولونی: <sup>۱</sup> صلح جویی و آرامش خواهی از ویژگیهای این فرهنگ است. مانند بومیان زونی <sup>۲</sup> نیومکزیکو که فرهنگشان، آنان را افرادی متمایل به منطق و اهل همکاری بار می آورد.

۲- فرهنگ دیونیزی: <sup>۳</sup> که مردمان متعلق به این فرهنگ تمایل به پرخاشگری و جنگجویی دارند. مانند فرهنگ ساکنان جزیره دوبوا <sup>۴</sup> که در گینه تو زندگی می کنند، آنها مردمانی رقابت پیشه، مکار و پرخاشگر هستند.

# Apollonian and Dionysian

فرهنگ آپولونی Apollonian:

صلح جویی و آرامش خواهی

فرهنگ دیونیزی Dionysian :

تمایل به پر خاشگری و جنگجویی

**سوال: به نظر شما امروزه انسان از کدام فرهنگ پیروی می کند؟**

دلیل این همه جنگ بین ملت ها، جوامع، قومیت ها و حتی خانواده ها در چیست؟

# مارگارت مید و بحران نوجوانی



۱۹۰۱-۱۹۷۸





انها مردمانی رفاقت پيشه، مكار و پرخاشكر هستند.

### مارگارت ميد و بحران نوجوانی

مارگارت ميد نيز در پژوهشهای خود دريافت كه بحران نوجوانی (بلوغ) كه روان شناسان آن را به صورت «نظر جزمی و قطعی» درآورده اند، به منزلت های اجتماعی كه فرهنگ برای نوجوانان فراهم می سازد، بستگی كامل دارد.

ميد در مطالعه خود در جزایر «ساموآ» متوجه شد كه دختران این جزیره از بسیاری ناراحتیها و عذابهای روانی كه در سایر اجتماعات طبیعی و مختص زمان بلوغ شمرده می شود، فارغ و آسوده اند. در این جزیره، جوانان مقام مخصوصی دارند و آداب و رسوم اجتماعی رفتار شایسته دختران را معین کرده و مصاحبت پسران و دختران كاملاً طبیعی و آزاد است. از این رو، برخی ناراحتی های روانی كه در برخی فرهنگها طبیعی و ذاتی دوره بلوغ تلقی شده، فقط ریشه اجتماعی داشته و بستگی به آزادیها یا محدودیتهایی دارد كه جامعه به جوانان خود تحميل می كند.

---

# رابطه روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی

## ۲. رابطه روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی

جامعه شناسی رابطه تنگاتنگی با روان شناسی اجتماعی دارد، چنانکه تفکیک مرز میان آنها دشوار است. به عنوان مثال هر دو، علم مطالعه رفتار اجتماعی و گروههای انسانی هستند با این تفاوت که جامعه شناسان بیشتر ساختار و کارکردهای گروههای انسانی (از گروههای کوچک گرفته تا گروههای بسیار بزرگ) را مطالعه می کنند و روان شناسان اجتماعی معمولاً به مطالعه چگونگی رفتار فرد در فرایندهای اجتماعی علاقه نشان می دهند. فردی که درباره دیگران می اندیشد، تحت تأثیر آنان قرار می گیرد و با آنان ارتباط برقرار می کند. از این رو، وقتی روان شناسان اجتماعی علاقه خود را به مطالعه گروه ها نشان می دهند، به دلیل آن است که بدانند، گروه چگونه اعضای خود را تحت تأثیر قرار می دهد و چگونه فرد می تواند بر رفتار دیگران اثر بگذارد.

تفاوت روان شناسی اجتماعی با جامعه شناسی: نبودن مرز روشن و مشخص میان روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی است که اتوکلاسیک است.

را تحت تأثیر قرار می دهد و چگونه فردی را بر آن قرار دهد. تفاوت روان شناسی اجتماعی با جامعه شناسی: نبودن مرز روشن و مشخص میان روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی است که اتوکلااین برگ<sup>۱</sup> را و می دارد تا بگوید: «جامعه شناسی اصولاً به گروهها توجه دارد و به روان شناسی افراد می پردازد و چون گروهها از افراد مرکبند، دست اندازی یکی به قلمرو دیگری اجتناب ناپذیر و حتمی است». جای تعجب نیست که از نظر فنی روان شناسان اجتماعی را گاه روان شناس و گاه جامعه شناس می دانند و میان آنان فرقی قایل نیستند» (استوتزل، ۱۳۶۳: ۳۵). اما باید توجه داشت که جامعه شناسی به رفتارها چنانکه در افراد خاصی ظاهر می شود، کاری ندارد؛ بلکه آنها را به صورت جمعی در نظر می گیرد. در حالی که روان شناسی اجتماعی به عکس، در مطالعه رفتارها به چگونگی ایجاد آنها در فرد یا در شخص می پردازد. به بیان روشنتر، روان شناسی اجتماعی می خواهد ببیند چگونه در شخص معینی با توجه به عوامل مؤثر در او به عنوان شخص، رفتار خاصی به وجود می آید.

برای آنکه تفاوت بین روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی را مشخص کنیم، بهتر آن است که به ذکر مثالی پردازیم: اگر بخواهند درباره گروهی از جوانان بزهکار تحقیق کنند؛ جامعه شناسان:

# رابطه روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی

## روان شناسی اجتماعی:

روان شناسی اجتماعی شاخه ای از روان شناسی است که بر جامعه تمرکز دارد. به گفته ی گوردن آلپورت، روانشناس، روان شناسی اجتماعی رشته ای است برای درک و چگونگی تاثیر گیری افکار، احساسات و رفتارهای اشخاص از دیگر انسان ها، چه واقعی، چه خیالی و چه ضمنی، از روش های علمی استفاده می کند. روان شناسی اجتماعی شامل زمینه هایی از قبیل درک اجتماعی، رفتار گروهی، پرخاشگری، تعصب، انطباق، رهبری و غیره می باشد. روان شناسان اجتماعی متغیرهای موقعیتی را بررسی کرده و سعی می کنند برای رفتارهای اجتماعی توضیحی ارائه دهند. آن ها به دنبال پیدا کردن ارتباطی بین محیط اجتماعی، رفتارها و نگرش ها هستند.



# جامعه شناسی:

جامعه شناسی نسبتاً یک موضوع گسترده تر می باشد.

جامعه شناسی شامل مطالعه ی روابط و نهادهای بشری است. جامعه شناسی گسترده و متنوع است و تقریباً تمام جنبه هایی که بر روی جامعه تاثیر می گذارد را تحت بررسی قرار می دهد.

جامعه شناسان چگونگی تاثیر مذاهب ، فرهنگ ها ، نژادها، طبقات اجتماعی ، وضعیت اقتصادی و غیره را بر روی عملکرد جامعه بررسی می کنند. جامعه شناسان تمامی تغییرات جامعه را ، چه جزئی و چه شدید، مورد بررسی قرار می دهند. حتی کوچکترین تغییری در جامعه ممکن است دلایل جالبی به همراه داشته باشد.

جامعه شناسان هر چیزی که یک انسان در طول زندگی خود تجربه می کند را مورد مطالعه قرار می دهند. از مسائل عشقی، هویت نژادی و جنسیتی، تعارض خانوادگی، رفتار منحرف، سال خوردگی و عقاید مذهبی گرفته، تا مسائلی مانند جرم و جنایت و قانون، فقر و ثروت، تعصب و تبعیض، مدارس و آموزش و پرورش، شرکت های کسب و کار و ...



## پس به طور خلاصه:

- روان شناسی اجتماعی زیر شاخه ای از روانشناسی است اما جامعه شناسی اینطور نیست.
- روان شناسی اجتماعی جزئی تر است در حالی که جامعه شناسی گسترده و متنوع تر می باشد.
- روش ها و عملکرد های این دو با هم متفاوت هستند.
- روان شناسی اجتماعی با استفاده از متغیرهای موقعیتی و روش های علمی تحقیق می کند اما جامعه شناسی با استفاده از آمار، مشاهدات جمعیت، سرشماری، و روش های دیگر کار می کند.

# رابطه روان شناسی اجتماعی و روان شناسی عمومی

و به هر حال، این امر به دلیل اهمیت خاصی برخوردار است.

## ۳. رابطه روان شناسی اجتماعی و روان شناسی عمومی

روان شناسی اجتماعی از بسیاری جهات با روان شناسی عمومی پیوند نزدیک دارد و تفکیک آن دو از هم کار ساده ای نیست، زیرا امروزه روان شناسان بیش از پیش به اهمیت گروه در تأثیر بر رفتار اعضا پی برده اند و پژوهشهای مردم شناسان نشان داده است که تا چه حد محیط فرهنگی و اجتماعی در تکوین و رشد شخصیت فرد مهم است. در واقع، به دشواری می توان حالت روانی را به دور از تأثیرات اجتماعی به طور کامل تبیین کرد.

هیچ فردی نمی تواند به دور از تأثیرات انسانی پرورش یابد؛ شواهد مشاهده ای و تجربی بسیاری برای اثبات ضرورت کنش متقابل با دیگران و تماسهای فرهنگی برای رشد ذهنی وجود دارد. تأثیر این امر برای رشد طبیعی از مطالعه آدمیان دور از فرهنگ

استوتزل، تفاوت روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی عمومی را از لحاظ روش و بیش مورد توجه قرار می‌دهد:

۱. از لحاظ روش: بسیاری از روان‌شناسان اجتماعی تجربه‌های آزمایشگاهی را بیش از حد معمول، محدود و ساختگی می‌دانند و در تلاشند تا تحقیقات خود را به میدان عمل و به طور کلی به اوضاع و احوال عینی و واقعی بکشانند و در این زمینه از روشها و فنون مختلف چون آمار، مشاهده، مصاحبه، جامع‌سنجی، تحلیل محتوا و... استفاده می‌برند.

۲. از لحاظ بیش: کار روان‌شناسی عمومی مطالعه رفتار انسان و فرایندهای ذهنی است (LehayT1992:4) در حالی که روان‌شناسی اجتماعی رفتار آدمی را در اوضاع و احوال عینی تر مطالعه و تبیین می‌کند؛ یعنی نخست شرایط و مقتضیات فرهنگی؛ سپس اوضاع و احوال موجود میان اشخاص و پس از آن به اوضاع و احوال شخصی می‌پردازد؛ یعنی تا آنجا که ممکن است، رفتار را به افرادی که عامل بروز آن هستند، مربوط می‌کند و در جستجوی غایت رفتارها در وجود افراد و عامل آنها می‌باشد. به همین دلیل، تبیین رفتار در روان‌شناسی اجتماعی به گونه‌ای وسیع‌تر از روان‌شناسی عمومی انجام می‌گردد.

# فعالیت ها:

**لطفا فعالیت را تکمیل کرده و در پوشه کار خود قرار دهید.**

**فعالیت ۱ فصل دوم: بر اساس نظریه روث بندیکت ، به نظر شما امروزه انسان از کدام فرهنگ پیروی می کند؟ دلیل این همه جنگ بین ملت ها، جوامع، قومیت ها و حتی خانواده ها در چیست؟**

**بر اساس بینش و تفکر خود پاسخ دهید (جواب صحیح و غلط وجود ندارد، هدف کنکاش ذهنی و تمرین برای تفکری عمیق تر است.)**

# در پناه خدا

پیشاپیش سال نو بر همگی مبارک.  
با آرزوی بهترین ها برای شما عزیزان

**پایان جلسه سوم  
موفق باشید.**

زمان تحویل فعالیت (جهت برقراری نظم سر زمان  
مقرر، نه زودتر و نه دیرتر)  
، چهارشنبه ۲۸ اسفند می باشد.



محبوب من  
والله اعلم  
بما كنت  
للعالمين  
محبوب

سال نو مبارک

